

اعوذ بالله من الشیطان الرجیم، بسم الله الرحمن الرحیم و الحمد لله رب العالمین و صلی الله علی سیدنا رسول الله و آله الطیبین

الظاهرین المعصومین و اللعنة الدائمة علی اعدائهم اجمعین

اللهم وفقنا و جمیع المشتغلین و ارحمنا برحمتک یا ارحم الراحمین

من خیال می کردم دیگر از امروز می خواهید تعطیل کنید اختیار با خودتان است. عرض کنم بعد از بحث دیروز مرحوم آقای نائینی قدس الله نفسه من مختصرا اصول را بگویم بعد فقه را هم ان شاء الله وارد بحث واجب معلق می شوند که در کتاب فصول آمده است، البته یک مقداری از عبارات فصول را در حاشیه این آقایان آوردند و خوب هم هست آقایان مراجعه کنند دیگر چون بناست خیلی به تفصیل وارد بحث نشویم به همین مقدار اکتفاء می کنم.

سابقا هم عرض کردم بحث واجب معلق را به یک مناسباتی متعرض شدیم این یک تقسیمی بود مرحوم صاحب فصول انجام دادند واجب را تقسیم کردند به معلق و منجز البته مرحوم نائینی هم در اول کلام، هم در اثناء کلام تعبیرشان این است که صاحب فصول سه بخشش کردند یعنی تقسیم ثلاثی کردند اوجب مطلق و واجب مشروط و واجب معلق. همین در صفحه ی ۱۸۵ که بنا بود امروز بخوانیم: وسمی ذلك بالواجب المعلق، وجعله مقابل الواجب المشروط والمطلق، یک جای دیگر هم در فی ما بعد می آید که در مطالب، چون این تقریبا مجموعه ی مطالب ایشان از همین صفحه ی ۱۸۵ که عرض کردم شروع می شود ایشان دنبال این مطلب هستند بله و مباحثی را مطرح کردند راجع به این مطلب، خیلی تکرار می کند صفحه ۱۹۳ مثلا:

فعلم من جمیع ما ذکرنا: انه لا مجال لدعوی امکان الواجب المعلق، وان تثلیث الأقسام مما لا وجه له، سه قسم کردند معلق و مطلق و مشروط، عرض کردم این شاید نائینی نگاه نکرده است، نمی دانم حالا به هر حال شاید برای ایشان نقل کردند کتاب درسی رسمی قوانین بوده شاید در آنجا نبوده ایشان.

عرض کردیم صاحب فصول سه قسم نکرده است تعجب است از مرحوم نائینی، صاحب فصول دو قسم کرده است به یک لحاظ معلق و منجز، به یک لحاظ مطلق و مشروط دو قسم است هر دوی معلوم شد؟ اینکه ایشان گرفتند سه قسم و لا مجال لتثلیث الاقسام یکی از حضار: چون در یکی اش بین واجب و جوب بحث است.

آیت الله مددی: بله حالا غرض اینکه یک تعبیر یک نکته راجع به این مجموعه ی از ۱۸۸ تا ۱۹۴ ایشان راجع به واجب معلق صحبت کردند و به شدت به صاحب فصول حتی تعابیر اینکه اصلا اینها قابل تصور نیست یک مطلبی هم که ایشان دارد:

.....
إن صاحب الفصول قد عمم ذلك بالنسبة إلى المقدمة المقدورة ، یعنی نسبت مقدرات غیر مقدوره هم نگفته است ، این به خاطر توجیهاتی است که می شود و دیگر حالا خواندن آن مطلب و ، در حاشیه آورده است ایشان عبارت صاحب فصول را من یک قاعده ای را عرض می کنم که آن مطلب هم به اصطلاح گرفته بشود .

بعد نوشته که بعضی از آقایانی که بعد از فصول بودند وجوب و معلق را قبول کردند لکن گفتند به نحو شرط متاخر گفتند لازم نیست که بگوییم وجوب فعلی است یعنی وجوب معلق آن است که وجوب فعلی باشد ، یعنی مثلا الان اگر مستطیع شد حج بر او واجب است مقدمات را انجام بدهد لکن شرط متاخرش این است که معلوم بشود در روز نهم عرفه می تواند در اعمال حج باشد این شرط است به جای وجوب معلق می شود به شرط متاخر هم قبول کرد ، بعضی ها از راه شرط متاخر بله .

و مرحوم نائینی فرق می گذارند بین این دو مبنا که آیا به اصطلاح فرق بین شرط متاخر با وجوب معلق چیست فرقی واضح است یعنی احتیاج نداشت . علی ای حال ایشان حاصل اینطور است :

يمكن ان تكون مصلحة الوجوب قد تحققت ، ولكن مصلحة الواجب لم تتحقق الا من بعد مضي زمان ، یعنی مصلحت واجب نیست؛ كما ربما يدعى ذلك في باب الصوم ، چون صوم از حین فجر است امساک از حین فجر ، لکن اگر جنب بود باید قبل از فجر غسل بکند غسلش باید قبل از فجر ، پس معلوم می شود مصلحت وجوب الان هست چون باید غسل بکند مقدمه اش را انجام بدهد اما مصلحت واجبش از حین فجر است ایشان این مطلب را هم .

بعد ایشان متعرض کلام صاحب وجوب می شود و یک فرقی هم در صفحه ۱۸۶ بین وجوب معلق و بین شرط متاخر ، واضح است مطالب واضح است :

هو ان الشرط في الواجب المعلق انما يكون شرط الواجب ومما يكون له دخل في مصلحته ، اما در خود وجوب مشروط نیست ؛

وليس وله دخل في ملاكه . وهذا بخلاف ذلك ، در شرط متاخر ، در شرط متاخر نه این دخیل در خودش است ؛

فان الشرط انما يكون شرطا للوجوب ، شرط برای وجوب است لکن متاخر است ، مراد از شرط وجوب یعنی از الان که مستطیع شد حج بر او وجوب پیدا می کند لکن شرطش این است ، شرط این وجوب این است که در روز نهم بتواند در عرفه باشد ، از آنجا به اصطلاح ، آن تاثیر گذار است و این آقای هم که

چون ایشان می گوید این آقایی که این حرف را گفته شرط متاخر را به وجود علمی برگردانده ، این کار صاحب کفایه است که شرط متاخر را وجود علمی ، گفتیم عرض کردیم این مطلب روشن نیست شرط وجود علمی بله ، بعد واضح است مطالبش چون نمی خواهم حالا ، بعد ایشان متعرضش می شود :

فاعلم : ان امتناع الواجب المعلق في الأحكام الشرعية ، که بر نهج القضايا الحقيقية هستند ؛ بمكان من الوضوح ، خیلی امر واضحی است که واجب معلق ممتنع است ، بعد وارد همین بحث می شود چون در قضایای حقیقیه تا موضوع محقق نشود حکم فعلی نمی شود ، چطور می شود موضوع محقق نشود و مع ذلک حکم فعلی بشود ، چون موضوعش چیست اینکه ایشان در روز نهم در عرفه باشد آن وقت چطور می شود وجوب از الان محقق بشود با اینکه موضوعش نیامده است دیگر با ایشان بحث می کند ؛

ولیت شعري ما الفرق بين الاستطاعة في الحج والوقت في الصوم ، حيث كان وجوب الحج مشروطا بالاستطاعة بحيث لا وجوب قبلها ، وکان وجوب الصوم غير مشروط بالفجر بحيث يتقدم الوجوب عليه ، ایشان می گوید در باب صوم شما می گوید وجوب قبل از فجر نیست در باب استطاع می گوید هست این چه فرقی می کند با همدیگر ، خیلی تعجب است از مرحوم نائینی این سنخ اشکالات ایشان خوب ایشان حرفش این است .

بینید آقا اصولا من عرض کردم خدمتان در قرن اول و دوم بحث فقهی مطرح بود این بحث فقهی همین جور تدرجا مطرح شد مطرح شد تا سعی کردند قاعده ای اصولی از آن در بیاورند . مثلا بحث فقهی مطرح بود که اگر شما پدرتان را خریدید آزاد می شود ، بحث فقهی مطرح بود که لا عتق الا فی ملک ، بحث فقهی مطرح بود که انسان لا یملک ابویه خوب روایات بود عمل کردند به روایات مشکل ندارد این بعدها آمدند تصویر کردند که این را قاعده ای درست کردند برای قاعده ای درست کردن ، ملک آناً ما ، این یک مشکل کلی در اصول است دقت کردید ؟ این مشکل باید

این مساله ای صوم این اصلا خودش یک بحث فقهی است اهل سنت می گویند اشکال ندارد بعد از فجر غسل بکنند در همین صحیح بخاری دارد عایشه می گوید که ما مثلا با رسول الله جنب بودیم بعد از فجر غسل می کردیم با رسول الله خود عایشه دارد این در روایات ماست که قبل از فجر است .

اول این بحث ، بحث فقهی است این یک ، اگر کسی ، اینکه می گوید ما الفرق یکی اش این است . دومی اش این است که وقتی اگر آمد روایت آمد که باید غسل بکنند این دیگریک توجیه است چون اینها می خواهند بگویند که احکام را حسب قواعد درست بکنید اصولشان

اینجوری شد حسب قواعد درست کنیم ، حالا که آمدیم حسب قواعد درست کنیم پس اینکه می بینیم قبل از وقت ، اینکه ایشان ما الفرق فرقی این است در روایت آمده که شما غسل قبل از فجر بکن پس معنایش این است که وجوب قبل از فجر است معنایش این است دیگر، یعنی آمده این را روشن شد ؟ روی قاعده

مثل اینکه گفت احرام قبل از میقات درست نیست مگر با نذر ، با نذر درست است ، خوب چطور می شود اگر احرام قبل از میقات ، آمدند گفتند خوب قاعده اش این است که اینطور بگوییم احرام قبل از میقات خودش فی نفسه مصلحت داشته ، مصلحت داشته ؛ لکن یک مفسده ای برایش بار شده شارع اجازه نداده است . اما اگر نذر کرد آن مفسده ؛ توجیه را دقت کردید ؟

خوب بعضی ها می گویند چرا توجیه بکنیم اینقدر توجیهات ندارد این یک تعبد شرعی است ، شارع گفت قبل از وقت یا حکم عقل است عقل می گوید شما از اول فجر باید نیت روزه بکنید و روزه تان هم باید با طهارت باشد حالا که جنب هستید پس غسل قبل از وقت بکن خوب این حکم عقل است لازم نیست حرف صاحب فصول دقت کردید ؟

یکی از حضار : این مقدمات مفوته و اینها می شود

آیت الله مددی : ها مقدمات ، این دیگر نمی خواهد ، دقت کردید ؟

اینکه مرحوم نائینی می فرماید ولیت شعری ، لیت شعری هم نمی خواهد مرحوم نائینی ، آن یک حکم را دیده توجیه ، روشن شد ؟ پس ما یک مشکل عقلانی داریم اصلا ، اولاً آن حکم فقهی باید ثابت بشود ، ثانیاً آن حکم فقهی که ثابت شد آن وقت بیافیم به توجیهش خوب چه داعی دارد بیافیم به توجیهش ؟ بعد هم ممکن است حکم عقل باشد بگوید آقا از روایت در آوریم که صوم باید با طهارت باشد بی طهارت نمی شود در حال جنابت نمی شود وارد صوم بشویم ، خوب طبیعتاً از قبل از وقت غسل بکند که ، روشن شد ؟

پس این اشکالاتی که مرحوم نائینی ، من بعضی از عبارات ایشان را خواندم دیدم بعد دیگر خیلی ، می گویم حدود ۱۰ صفحه ، ۱۲ صفحه بله ، بعد ایشان می فرمایند قضایای شرعی و احکام شرعی از قبیل قضایای حقیقیه است و در مورد آنها نمی شود و اما در قضایای خارجی ممکن است باز می گوید در آنها هم نمی شود .

بعد در اینجا ایشان می گوید که بعضی ها خیال کردند وجوب معلق باطل است چون به امر استقبالی خورده است ؛

فظهر : ان برهان امتناع ، امتناع ، برهان ، کلمه ی برهان هم به کار بردند ، امتناع هم به کار بردند در اعتباریات اینها به شوخی شبهه است ؛

امتناع الواجب المعلق انما هو لأجل انه لا يمكن ان يكون التكليف مطلقا بالنسبة إلى قيد غير اختياري للمكلف ، بحيث لا يمكن ان تتعلق ارادته به ، بل لابد ان يكون التكليف بالنسبة إليه مشروطا . وليس ، بعضی ها آمدند گفتند برهان امتناع واجب معلق امتناع تعلق التكليف بامر مستقبل ، ظاهرا مستقبلی بیشتر می گویند یا به امر استقبالی ، مستقبل ؟

كما توهم ، ایشان می گوید بعضی ها گفتند نمی شود واجب معلق چون نمی شود وجوب تعلق بگیرد به یک امری که استقبالی است ، ایشان می گوید نه این برهان درست نیست این برهان ، خود مطلب باطل است جای برهان ندارد . علی ای ایشان می گوید احکام شرعیه اینطوری است و بعد هم متعرض کلماتی که مرحوم شیخ قدس الله نفسه بر واجب معلق مرحوم صاحب فصول اعتراض کرده ، من دیگر اینها را بخواهیم بخوانیم هیچ فایده ای هم ندارد خیلی هم طولانی است یک محصل تمامی هم ندارد هم تکرار است هم طولانی است و گفتیم چون می خواهد درس هم تعطیل بشود در همان صفحه ی ۱۹۴ ، ایشان بعد وارد یک بحث دیگری می شود :

ثم انه لا اشكال ، این هم جدا نکردند موضوع بندی نکردند ؛

في أن وجوب المقدمات الوجودية يتبع في الاطلاق والاشتراط وجوب ذیها ، کلمه ی ذیها درست است یا نه معروف است بینشان که ذی اضافه ی به ضمیر نمی شود اما در کلمات اصولیین هست حالا ما ، بله این در شعر عربی هم همین است که انما يعرف ذی الفضل ضرور اضافه ی به ضمیر شده است ، معروف این است که اضافه نمی شود ذی اضافه به ضمیر نمی شود خیلی خوب حالا چون غلطی است بین مشهور ما خیلی دیگر ملا نقطی نمی شویم به آقایان .

علی ای حال تا اینجا تا صفحه ی ۱۹۴ اگر می خواهد تعطیل بشود ان شاء الله بعد از تعطیلات از اینجا ، آن وقت این وارد یک بحثی می شود که چرا بعضی از مقدمات قبل از وقت ، آن وقت می گوید کلمات فقهاء مضطرب است حرف هایشان ، این را می خواهد توجیه بکند ، همین مثال معروف که گفتند اگر کسی قبل از وقت ، قبل از وقت ظهر می داند در وقت ظهر آب ندارد ، خاک هم ندارد اما الان آب هست نزدش ، گفتند آب را نریزد تا وضوء بگیرد بعدش مثلا ، اما اگر طاهر است می تواند خودش را عمدا مجنب بکند با اینکه می داند بعد می تواند تیمم بکند ، می گوید چه فرقی بین اجناب عمدی هست با ریختن آب دیگر همان مثال هایی که ما زدیم در باب ،

وارد این بحث می شوند ایشان و ایشان می گوید کلمات اصحاب : المسألة مشكلة جدا والكلمات فيها مضطربة غاية الاضطراب ، عرض کردم اینها را اگر ما روی قواعد فقهی درست می کردیم و روی روایات و ادله به این اشکالاتی که اینها تصور می کنند نمی رسیدیم و عرض کردیم از این به حساب فقه ملاکات و اینها خودمان را خارج می کردیم ؛

پس این وجوب معلق اینکه ایشان فرمودند ممتنع است و برهان اقامه شده عرض کردیم هیچ امتناعی ندارد و این سرش را عرض کردیم آقایان روی مباحثی که مربوط می شود به اعتباریات درست بحث نکردند نکته اش این است اگر بحث کرده بودند هیچ مشکل نداشت عرض کردیم وجوب معلق ، وجوب فعلی باشد ، واجب استقبالی باشد فی نفسه هیچ مشکلی ، احتیاج به این برهان ها هم ندارد ، فی نفسه اشکال ندارد انما الکلام در این است که از لسان دلیل در بیاوریم اعتبار به آن بخورد .

یک : اعتبار به آن بخورد ، دو : از لسان دلیل در بیاوریم ، به مجرد اینکه گفت شما قبل از فجر غسل بکن از آن در نمی آید وجوب معلق از این حکم در نمی آید دقت کردید ؟ بر فرض هم حکم که فتوای اصحاب ماست حکم فقهی ثابت شد این قاعده ی اصولی از آن در نمی آید یا مثلاً نذر در باب نذر ، آنجا گفتیم تقیید خورد ، تخصیص خورده است ، تعبد شرعی گفته آن نه .

البته ما نذر قبل از میقات را که قبول نکردیم آقایانی که قبول کردند و عرض کردیم این از زمان شیخ طوسی به بعد در فتاوی فقه های ما آمد قبلش اصلاً نیست در فتاوی فقه های ما ، در روایات ما هم دو سه تا روایت است که در قرن سوم در کتاب های مثل حسین بن سعید و اینها موجود بوده در قرن چهارم هم در کافی و فقیه هم برداشته شده است ، شرح آن را مفصل دادیم .

پس اولاً خود حکم روشن نیست ، احتیاج به این توجیهی که این ملاکش بوده ، ملاکش نبوده ، نمی دانم مانعی بوده ، احتیاج به این ، اصلاً سنخ بحث را اگر آقایان عوض بکنند .

یکی از حضار : اینها اصلاً اصولی نیست

آیت الله مددی : آها اینها اصلاً بحث اصولی نیست و حیف است آدم وقت خودش را صرف این قسمت ها بکنند .

عرض کردم مرحوم نائینی اشکال کردند آقایان اینقدر در فروعات استصحاب بحث کردند و در مسائل اداره ی جامعه بحث نکردند ، بحث فروعات استصحاب نیست همین فروعات خودش کم از استصحاب ندارد یک بحث هایی است که نه فایده ی اصولی دارد نه روشن است نه روش بحث درش روشن است ، علی ای حال این مطالبی را که ایشان در اینجا فرمودند قدس الله سره روشن نیست .

یک : آیا فی نفسه امتناع دارد ؟ نه تابع جعل است ممکن است جعل بکند وجوب را فعلی لکن این همین که ایشان گفت وقتی که می خواهد وجوب فعلی باشد باید یک مصلحتی برای وجوب فرض کند ، یک مصلحتی برای واجب باید تفکیک بکند ، آیا این کار امکان دارد ؟ بله امکان دارد ، امکان اینکه مصلحت قائل به وجوب باشد یک مصلحت قائم به واجب باشد بله . آیا جعل می شود کرد ؟ بله چه مشکلی دارد ؟ حتی اگر قائل به مصلحت و مفسده هم نشویم مثل اشاعره ، می شود جعل کرد مشکل ندارد .

انما الکلام جعل نکته می خواهد ، اعتبار نکته می خواهد ، آن نکته اش را باید در نظر گرفت ، اگر جعل کرد هیچ نکته ای برایش مترتب نشد این نمی خواهد برهان امتناع این اصلا باطل است این جعل باطل است .

یکی از حضار : مقبول نیست .

آیت الله مددی : مقبول نیست ، این حرف ها امتناع و برهان و شما در مواردی

و لذا آن آقا آمد گفت بله آقا ما ملتزم می شویم به مقدمات حج واجب است لکن از باب شرط متاخر یعنی ببینید از یک راه وارد نشد راه دیگر وارد شد ، ما عرض کردیم قائل می شویم از باب مقدمات مفوته ، مقدمات مفوته هم حکم عقل است یعنی عقل مقدمات یک عمل را حساب می کند الان در زمان ما که خیلی عادی شده است ، یک کاری را که می خواهند شروع کنند بیست سال طول می کشد بعضی مقدماتش را امسال انجام می دهند ، بعضی مقدماتش را پنج سال بعد انجام می دهند ، نگاه می کنند طبق جدولی که دارد طبق آن حساب هایی که می کنند مقدمات مفوته از این قبیل

می گوید آقا الان تو می خواهید بیست سال بعد این برنامه تمام بشود می گوید بله لکن این بعضی از مقدمات را امسال باید انجام بدهیم ، بعضی از مقدمات را هشت سال دیگر انجام بدهیم ، بعضی ، تا آن بیست سال . این طرح است این اصلا کلیتا یعنی نکته ای که در باب مقدمه هست این نکته در مقدمات مفوته هم می آید فرقی نمی کند لازم نیست که مقدمه الان باشد که من الان وضوء می گیرم الان نماز می خواهم بخوانم ، این نیست ، در باب مقدمات یک برنامه ریزی دارد و آن سر مقدمات هم ترشح چطور ترشح وجود از ذی المقدمه این بحث ترشح اصلا جا ندارد .

عرض کردیم بحث مقدمه را ما اصلا کلا از بحث ترشح و از این حرف ها خارج کردیم این یک نکته ی عقلائی دارد و آن نکته ی عقلائی اش این است که در باب اعتبارات قانونی اگر تلازمی بین دو چیز در واقع بود این تلازم منشاء می شود در اعتبار هم بیاید بینشان یا نه ، اگر تلازم بود . اگر مثلا گفت برو پشت بام مثلا پشت بام نمازت را پشت بام بخوان خوب پشت بام رفتن احتیاج به به قول آقایان نصب سلم دارد نردبان ، آیا چون پشت بام رفتن احتیاج به نردبان دارد امر که تعلق گرفت به رفتن به پشت بام ، امر تعلق می گیرد به لازم این که با آن ، همراهش است ، که نردبان یا نه ؟ عده ای گفتند بله چون با هم تلازم خارجی دارند ، چون تلازم خارجی دارند به اعتبار هم سرایت می کند .

عده‌ای هم گفتند نه آقا امر اعتباری اینطور نیست گفته برو پشت بام چه کار دارد به نصب سلم ، آن نصب نردبان به تو مربوط می شود به آن مربوط نمی شود به مقام جعل مربوط نمی شود ، آن که به مقام جعل مربوط است برو پشت بام ، حالا طناب بیاندا از برو بالا یک کسی معجزه کند هو بکشد یک هو بی بکشد تو بروی بالا

یکی از حضار : ... فقط نرفتن بالاست نه به خاطر

آیت الله مددی : بله به خاطر نصب نردبان آن را نگاه نمی کنند .

البته عرض کردم به احتمال بسیار قوی این بحث به خاطر آن حالاتی که عبد و مولی دارد مطرح شده است چون عبد اینطوری بوده در اختیار مولی بوده همه کارش را باید ، احتمالا منشأش آن بوده است و لذا از وقتی که تفکرو به میل قانونی کرده است این حرفها برداشته شده است قانون و اعتبار قانونی این جوری است مصب اعتبار را باید نگاه کرد ، مصب اعتبار برو پشت بام درش ندارد نردبان نصب کن می خواست بگوید نردبان می گفت نردبان نصب کن ، دقت فرمودید ؟

پس بنابراین بحث ترشح و اینهایی که ایشان فرمودند این بحثها مطرح نیست کلا بحث تلازم است و این تلازم وجودی همین طور که مرحوم نائینی هم گفت گاهی امر استقبالی است گاهی و استقبالی اش هم فرق می کند ، بعضی از مقدمات را می گوید سه سال بعد باید انجام بدهید ، بعضی مقدمات را هشت سال بعد باید انجام بدهید ، فلان مقدمه ، چرا چون حساب می کنید که این چطوری است مثلا مثل فرض کنید همین طب قدیم هم اینجوری است دیگر فرض کنید یک دارویی را می خواهد به شما بدهد یک ناراحتی در روده دارید خوب یک دارویی به شما می دهد که ماده‌ی موثرش مثلا محدود باشد به روده چون در روده باز می شود تاثیر ، اما یک وقتی یک دارویی می خواهد به شما بدهد که ماده‌ی موثرش که بین استخوانهای سینه است که ذات الریه به آن می گویند قدیمی ها ذات الریه این است اصطلاح ذات الریه آقایان چیز دیگر می گویند ذات الجمع به آن می گویند خوب این می گوید این باید در روده از روده برود در کبد از کبد برود به گردش خون این باید بچرخد در بدن این همین طوری که در بدن می چرخد اثرش کم می شود ما باید یک مقدار دارو بدهیم که تا آخری که می خواهد تا آنجا برسد این مقدار ، رسمش است اصلا ، دقت کردید ؟

امروزی ها این کار را نمی کنند ، چرا ؟ چون مستقیم وارد خون می کنند به این فکر نمی کنند ، این برنامه ریزی و طراحی کردن یک امر عقلانی است این باید چقدر انجام بدهیم ؟ آن مثلا می گفت این ماده‌ی موثر را باید این قدر چرا نوشتند در کتب طب قدیم چون این

می خواهد در فلان عضو اثر بکند ، بعضی وقت ها می دیدند این طول می کشد یک دارویی از خارج رویش می دادند رطوبت و این جور چیزها یک چیزی رویش می گذاشتند از خارج که اینقدر طول نکشد .

امروزی ها آمدند کار را عوض کردند سرم وصل می کنند مستقیم وارد خون می شود .

یکی از حضار : یا داخل خمیر می گذاشتند .

آیت الله مددی : یا در خمیر ، یا مثلاً بعضی از الی آخر اقسام دقت کردید ؟

این طرح و برنامه ریزی یک امر عقلانی است یک امر جدیدی نیست دقت می کنید ؟ نگاه می کنند محاسبه می کنند از راه خون یک مقدار ماده ی موثر وارد می شود این از راه خوراک باشد آن جای بدن را حساب می کنند این از کجا می ریزد ، از دهان می گذرد می رود در معده از معده با اسید معده آمیخته می شود می رود در روده ، در روده چنین می شود بعد می رود تصفیه می شود می رود در کبد چه مقدارش در کبد می ماند چه مقدارش در گردش ، محاسبه می کردند پس شما باید این مقدار مصرف بکنید تا بتوانید آن اثر را بگذارید دقت می کنید ؟ اما آن داروی دیگر را اینقدر ، این رسمش است الان هم همین کار را می کنند هیچ فرقی نکرده است دقت می کنید ؟

پس این مطلبی که ایشان فرمودند در اینجا قدس الله سره قابل قبول نیست ، وجوب معلق امکان دارد مهمش دلیل می خواهد اینکه در باب حج بگوئیم وجوب معلق است آن ثابت نیست آن از باب مقدمات ، شرط متاخر هم ثابت نیست که ایشان گفته است ، این نکاتی را که ذکر شد ؛

در باب صوم هم یا ممکن است تعبد باشد یا همین حکم عقل که شما چون مکلف هستید که روزه از اولش با طهارت باشد پس شما غسل را قبل از وقت انجام بدهید و لذا بعضی از آقایان هم اشکال کردند که اگر نمی تواند غسل بکند تیمم نگیرد اشکالشان سر این بوده ما دلیل نداریم که تیمم هم باید در روزه باشد شرط باشد مثل غسل ، تیمم بدل از غسل .

و لذا در آنجا دلیلی ندارد که تیمم حتماً قبل از وقت باشد الی آخر بحث های فقهی که من نمی خواهم الان متعرض بشوم .

علی ای حال و اشکال هم کردند که اطلاعات تیمم شامل ورود در روزه نمی شود اصلاً مربوط به نماز است به روزه و الی آخر ، این بحث های فقهی جای خودش است اینکه از اینها ما یک قاعده ی اصولی حتماً استخراج کنیم جای خودش .